

جهانی شدن، تشدید شهرنشینی و افول تنوع زبانی

علی صباغیان^{۱*}، ابراهیم علمی^۲

^۱ استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
^۲ دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

پدیده جهانی شدن در عصر کنونی سبب بروز تحولات عمیق و گسترده‌ای در زندگی انسان‌ها شده است. بر اثر جهانی شدن و رشد سرمایه‌گذاری، روند حرکت نیروی انسانی به شهرها افزایش یافته و شهرنشینی تشدید شده است. شهرنشینی افزون‌بر تغییرات جمعیتی، تغییر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و در یک کلام تحول فرهنگی افراد را نیز با خود به همراه دارد. مهم‌ترین عنصر فرهنگی که به علت شهرنشینی در جوامع چندفرهنگی از دست می‌رود، زبان است. هدف این مقاله پاسخگویی به این پرسش است که جهانی شدن چگونه از راه شهرنشینی بر تنوع زبانی تأثیر می‌گذارد؟ فرضیه مقاله این است که جهانی شدن با تشدید شهرنشینی به دو گونه بر زبان‌ها تأثیر منفی می‌گذارد و سبب افول تنوع زبانی می‌شود: نخست، از راه همانندسازی و ادغام مهاجران در جامعه جدید شهری؛ و دوم غرق شدن جمعیت میزبان در جمعیت مهاجر. این دو صورت از تأثیر شهرنشینی بر زبان در بستر تغییر «نگرش زبانی» گویشوران اتفاق می‌افتد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شهرنشینی به دلایل گوناگون با تغییر «نگرش زبانی» گویشوران زبان اقلیت یا محلی، موجب نگرش منفی گویشوران زبان محلی به زبان خود و نگرش مثبت به زبان معتبرتر می‌شود، و به انتقال ندادن بین‌نسلی یک زبان و حذف یا مرگ آن زبان منجر می‌شود. این مطالعه با تجزیه و تحلیل آمارهای گردآوری شده در پژوهش‌های کارشناسان و گزارش‌های رسمی یونسکو و دسا درباره تأثیر پدیده جهانی شدن بر تحولات زبان، و نیز پیامدهای جهانی رشد شهرنشینی و براساس چارچوب مفهومی جهانی شدن، شهرنشینی و تنوع زبانی انجام می‌شود. تأثیر شهرنشینی بر زبان‌ها نشان می‌دهد که چگونه این عامل می‌تواند در از بین رفتن تنوع زبانی عمل کند و عامل همگونی زبانی در جهان باشد.

واژگان کلیدی: تنوع زبانی، جهانی شدن، شهرنشینی، نگرش‌های زبانی

* نویسنده مسئول، رایانامه: sabbaghian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۶ آبان ۱۳۹۸، تاریخ تصویب: ۳ آبان ۱۴۰۰

۱. مقدمه

جهانی شدن به مثابه پدیده‌ای چندبعدی مهم‌ترین ویژگی دوران کنونی است که بر وجوه مختلف زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. یکی از جنبه‌های تأثیرگذار جهانی شدن بر زندگی انسان‌ها تحول در زبان آنهاست. این تحول بیشتر به صورت مرگ و حذف بسیاری از زبان‌ها، افول برخی دیگر و گسترش برخی زبان‌های قوی و جهانی شدن یک زبان نمود یافته است. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود بیش از ۹۰ درصد از ۶۰۰۰ زبان موجود در جهان پیش از پایان سده بیست‌ویکم محو خواهند شد (UNESCO, 2003: 2). تحولات زبانی مسئله جدیدی نیست، بلکه در طول تاریخ جریان داشته است. اما آنچه شرایط کنونی را از گذشته متمایز می‌سازد، تأثیر پدیده جهانی شدن بر تحولات زبان است. این پدیده مقیاس و سرعت تحولات زبانی را افزایش داده است (Mufwene, 2010: 31).

یکی از عواملی که با توجه به گسترش آن در اثر جهانی شدن بر زبان‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، شهرنشینی است. مهاجرت از روستا به شهر موجب گسترش شهرنشینی و عامل تثبیت شهرنشینی به شکل امروزی آن در جهان بوده است. از دیدگاه تاریخی توسعه صنعت سبب حرکت افراد به سوی شهرها به منظور پیدا کردن کار شده است. افزایش سرمایه و همراه با آن توسعه صنعتی به افزایش میزان اشتغال و بالا رفتن سطح زندگی در شهرها منجر شده و مراکز شهری نقش هدایت‌کننده توسعه را عهده‌دار شده‌اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۷۷). شهرنشینی فقط افزایش جمعیت در مناطق شهری نیست، بلکه فرایندی پویاست که طی آن شاهد نوعی انتقال و حرکت هستیم. این فرایند حداقل دربردارنده دو نوع حرکت و تغییر است؛ نخست حرکت و انتقال جمعیت از مناطق روستایی به شهری همراه با تغییر در کارکردها به‌ویژه کارکرد اقتصادی‌شان و دیگری تغییر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و هنجاری و به عبارت بهتر فرهنگ این افراد (ازکیا و غفاری، ۱۳۷۷: ۵۴).

در جوامع چندفرهنگی زبان به عنوان مهم‌ترین عنصر هویت فرهنگی و عامل تمایز گروه‌ها و افراد، نخستین عنصری است که در مهاجرت به شهرها در معرض خطر قرار می‌گیرد. زبان به منزله ابزار ارتباطی مهم‌ترین نیاز افراد برای تعامل است، از این رو، نخستین عنصر فرهنگی نیز است که از مهاجرت به شهرها متأثر می‌شود. حال پرسش این است که جهانی شدن چگونه از راه شهرنشینی بر تنوع زبانی تأثیر می‌گذارد؟ در فرضیه پژوهش بیان می‌شود که جهانی شدن با تشدید شهرنشینی به دو گونه بر زبان‌ها تأثیر منفی می‌گذارد و سبب افول تنوع زبانی می‌شود؛ نخست، از راه همانندسازی و ادغام مهاجران در جامعه جدید شهری؛ و دوم غرق شدن جمعیت میزبان در جمعیت مهاجر. این دو صورت از تأثیر شهرنشینی بر زبان در بستر تغییر «نگرش زبانی» گویشوران اتفاق می‌افتد. این مطالعه با تجزیه و تحلیل آمارهای گردآوری شده

در پژوهش‌های کارشناسان و گزارش‌های رسمی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)^۱ و اداره امور اقتصادی و اجتماعی (دسا)^۲ درباره تأثیر پدیده جهانی شدن بر تحولات زبان، و نیز پیامدهای جهانی رشد شهرنشینی و براساس چارچوب مفهومی جهانی شدن، شهرنشینی و تنوع زبانی انجام می‌شود. به‌منظور پاسخگویی به پرسش پژوهش، پس از بررسی پیشینه پژوهش، در بخش چارچوب مفهومی، مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است. در ادامه، تصویری از افول تنوع زبانی در جهان ارائه می‌شود. سپس، در بخش جهانی شدن و شهرنشینی رابطه جهانی شدن و شهرنشینی و گسترش آن بررسی می‌شود؛ و در بخش شهرنشینی و زبان‌ها، چگونگی تأثیرگذاری مهاجرت به شهرها بر تنوع زبانی بررسی خواهد شد. پایان‌بخش مقاله نیز جمع‌بندی مطالب مطرح شده است.

۲. پیشینه پژوهش

باقری و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی در مورد هویت زبانی مهاجران لک ساکن تهران نشان می‌دهند که علاقه‌ای که نسل اول مهاجران به زبان لکی دارند، در نسل‌های بعدی کمتر مشاهده می‌شود. فراستی و دیگران (۱۳۹۸) پس از بررسی فرسایش زبان کردی کلهری در میان ایلامی‌های ساکن ایلام و ایلامی‌های ساکن تهران، به این نتیجه می‌رسند که میزان توانایی زبانی مهاجران ساکن تهران کمتر از کردزبان‌های ساکن ایلام است. همچنین بیشترین فرسایش زبانی در زمینه واژگان و در میان گروه سنی زیر بیست سال یعنی نسل دوم یا سوم مهاجران است که نشان از افول زبانی در میان آنان دارد. معارف‌وند و توفیق (۱۳۹۳) نشان دادند که کردهای مهاجر در گردهم‌حله کرج با وجود اذعان به اهمیت زبان کردی در هویت قومی، اصراری به استفاده از آن در محیط اجتماعی ندارند و آن را مانع ایجاد روابط اجتماعی در محیط عمومی می‌دانند. نتایج این پژوهش آشکار می‌کند که نسل دوم مهاجران متولد کرج، زبان کردی را فقط در حد فهم شنیده‌ها یاد گرفته‌اند و زبان آنها به زبان فارسی بدل شده است.

در پژوهش عماره آشکار می‌شود که بر اثر گسترش شهرنشینی زبان مردم بیت لحم به سوی استاندارد و یکسان شدن پیش رفته است (Amara, 2005). در پژوهشی دیگر چگونگی انگلیسی‌زبان شدن زبان کیولی^۳ مردم روستانشین سنت لوسیا^۴ بر اثر شهری شدن بررسی شده است (St-Hilaire, 2003: 48-65). نتایج پژوهش تندفلت در مورد شهر وانتا^۵ نشان می‌دهد که

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

2. Department of Economic and Social Affairs (DESA)

3. Kwéyòl

4. Saint Lucia

5. Vantaa

چگونه منطقه‌ای با اصالت روستایی و غلبه زبان سوئدی به سبب نزدیکی به هلسینکی و مهاجرت از جنوب به شهری با جامعه فنلاندی زبان تبدیل شد؛ و سوئدی‌زبان‌ها در جامعه مهاجر غرق شدند (Tandefelt, 1994: 246-266). هاشمی در پژوهشی تغییرات زبانی در شهرهای شمال آفریقا را بررسی کرد، و نشان داد که چگونه مهاجرت و شهرنشینی سبب برهم خوردن دوگانگی زبانی روستایی / شهری در شمال آفریقا شده است (Hachimi, 2009: 33-49). آثار مذکور با نگاه زبان‌شناختی اجتماعی یا زبان‌شناختی صرف نوشته شده است و هیچ‌یک از آنها میان جهانی شدن و شهرنشینی و تحولات زبانی ارتباطی برقرار نکرده‌اند. از این رو، مقاله حاضر در پی رفع این خلأ و برقراری ارتباط میان جهانی شدن، شهرنشینی و تحولات زبانی است.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

جهانی شدن محور اصلی همه تحولاتی است که امروزه در دنیا به چشم می‌خورد؛ تحولاتی که متضاد و متناقض هستند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۴۷). گیدنز جهانی شدن را «به‌عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی» تعریف می‌کند؛ «همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارند شکل می‌گیرد و برعکس». از نظر وی امروزه جهان تحت تأثیر جهانی شدن است و «دگرگونی محلی... در واقع بخشی از فراگرد جهانی شدن به‌شمار می‌آید» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۷۷). از نظر شولت «جهانی شدن به فرایندهایی اشاره دارد که در آنها روابط اجتماعی از قلمرو جغرافیایی جدا می‌شوند، به‌گونه‌ای که انسان‌ها گویی به‌صورت فزاینده‌ای در جهان به‌عنوان مکانی واحد زندگی می‌کنند» (شولت، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۹). از نظر کمیسیون اروپا جهانی شدن «فرایندی است که با آن، بازارها و تولید در کشورهای مختلف به‌طور روزافزونی به‌طور متقابل از راه پویایی‌های تجارت کالا، خدمات و جریان‌های سرمایه و فناوری به یکدیگر وابسته می‌شوند» (Thompson, 2000: 92). به‌طور خلاصه، جهانی شدن به‌عنوان فرایندی تاریخی با ویژگی‌های زیر مشخص می‌شود: ۱. گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سراسر مرزهای سیاسی به‌نحوی که اتفاقات و فعالیت‌ها در یک منطقه از جهان برای افراد و جوامع دیگر اهمیت می‌یابد؛ ۲. تشدید یا افزایش اهمیت درهم‌تنیدگی در همه حوزه‌های اجتماعی از اقتصاد تا محیط زیست؛ ۳. تسریع فرایندها و تعاملات فرامرزی با تحول در سیستم‌های جهانی حمل‌ونقل و ارتباطات؛ ۴. گسترش، تشدید و تسریع تعاملات جهانی همراه با درگیر شدن عمیق جهان و محل (Held & McGrew, 2007: 2-3).

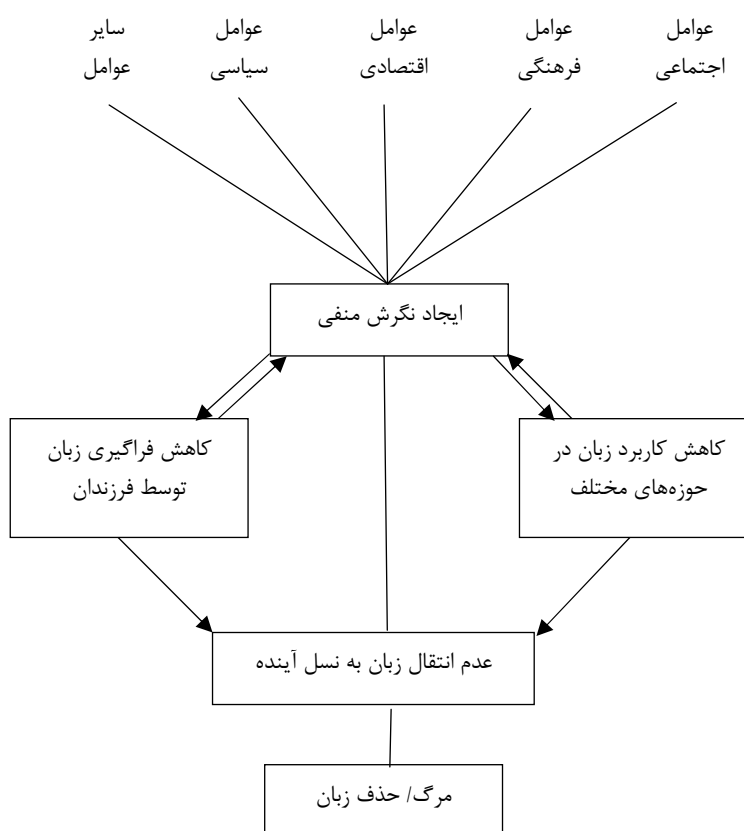
یکی از ابعاد جهانی شدن، گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) است. بهبود ارتباطات و حمل و نقل سبب دستیابی انسان به وقایع، ورای حضور شخصی و تحول اساسی در رابطه بین زمان، مکان و فضا شده است (Rantanen, 2005: 49-50). ارتباطات الکترونیکی فاصله بین افراد را در نقاط مختلف جهان کوتاه کرده است و از آن به عنوان «مرگ فاصله» یاد می‌شود. رسانه‌های جدید «به شدت ارتباط بین مکان فیزیکی و مکان اجتماعی را از بین می‌برند و موقعیت فیزیکی را برای ارتباطات اجتماعی ما کم‌اهمیت‌تر می‌سازند» (Tamandehrou & Khan, 2015: 8). به نحوی که می‌توان گفت «زوال فاصله‌ها» مهم‌ترین نیروی شکل‌دهنده به جهان در نیمه اول سده بیست و یکم است (کارنکراس، ۱۳۸۴: ۲۹). یکی دیگر از ابعاد جهانی شدن بعد اقتصادی آن است که روان شدن مسیر حرکت سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکت‌های چندملیتی یا کشورها را در نقاط مختلف جهان میسر کرده است. جهانی شدن اقتصادی در نگاه فریدمن^۱، عبارت است از: از بین رفتن مرزهای تولید، توزیع و مصرف. وی معتقد است امروزه «تولید کالا در هر جا، استفاده از منابع هر جا، توسط شرکتی که در هر جا مستقر باشد و فروش این کالا در هر جا» امکان‌پذیر شده است (به نقل از شولت، ۱۳۸۳: ب: ۱۱۶۲). بر این اساس صنعتی شدن شهرها سرعت بیشتری گرفته و همراه با خود نیاز به نیروی کار، مهاجرت به شهرها را افزایش داده و سبب گسترش شهرنشینی شده است.

از نظر سازمان بین‌المللی مهاجرت «شهرنشینی اغلب براساس جمعیت و به‌عنوان افزایش سهم جمعیتی که در نواحی شهری زندگی می‌کنند، تعریف می‌شود. این افزایش ناشی از سه عامل است: نخست، رشد طبیعی جمعیت؛ دوم، مهاجرت خالص از روستا به شهر و سوم گسترش مرزهای شهری و ایجاد مراکز شهری جدید.... افزون‌بر این شهرنشینی به انتقال وسیع از روستا به شهر شامل تغییرات جمعیتی، [تغییر در نحوه] استفاده از زمین، [تغییر در فعالیت‌های] اقتصادی و [تغییر] فرهنگ» اشاره دارد (International Organization for Migration, 2015: 19). شهرنشینی سبب ایجاد شهرهایی شده است که جذب‌کننده جمعیت روستاهاست. شهرها به‌طور معمول فرهنگ مصرفی و همگون شدن را در پی دارند و یادگیری زبان مسلط فرایند همگونی را تسهیل می‌کند. زبان فرهنگ مسلط به همه جا نفوذ می‌کند و با فشار روزانه رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون در همه جا تقویت می‌شود (Crystal, 2000: 76-79). شهرنشینی از راه تغییر «نگرش‌های زبانی»^۲ گویشوران یک زبان سبب نگاه مثبت آنها به زبان برتر و غالب و نگاه منفی آنها نسبت به زبان بومی خود می‌شود و بدین ترتیب آنها را به‌سوی

1. Feridman
2. Linguistic attitude

استفاده از یک زبان، و استفاده نکردن از زبان دیگر رهنمون می‌شود. «نگرش‌های زبانی» ریشه در نظریه کلی نگرش دارد و «تمایل مثبت یا منفی نسبت به یک شیء، فرد، نهاد یا رویداد» تعریف می‌شود. هر نگرش از سه جزء احساس، شناخت و رفتار تشکیل می‌شود. بر این اساس نگرش زبانی چنین تعریف می‌شود: «هر شاخص احساسی، شناختی یا رفتاری در واکنش نسبت به گونه‌های مختلف زبان و سخنگویان آن» (داوری اردکانی و جلیلیان، ۱۳۹۲: ۱۳۶). این نگرش‌ها به انگیزه‌ها شکل می‌دهند و به‌طور متقابل انگیزه‌ها نیز بر نگرش‌ها تأثیرگذارند. نگرش یک «مکانیسم پنهانی» است که رفتار را هدایت می‌کند. نگرش خود پاسخ‌های آشکار نیست، بلکه یک متغیر مداخله‌گر است که بین محرک و پاسخ عمل می‌کند (داوری اردکانی و جلیلیان، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

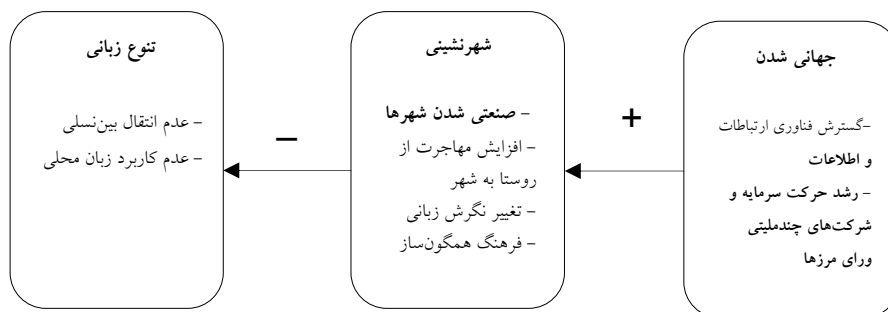
نمودار ۱. شبکه روابط عوامل برون‌زبانی، نگرش‌ها و مرگ زبان



منبع: (بشیرنژاد، ۱۳۹۰: ۵۴)

تغییر زبان نتیجه انتخاب جمعی و بلندمدت گویشوران یک زبان است و این انتخاب در ابتدا تحت تأثیر نگرش‌های زبانی گویشوران شکل می‌گیرد. مجموعه‌ای از عوامل برون‌زبانی مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در شکل دادن به نگرش‌های زبانی و انتخاب و کاربرد یک زبان دخالت دارند که این انتخاب در نهایت به حفظ یا تغییر یک زبان منجر می‌شود. پس «تغییر نگرش‌ها مقدمه و لازمه تغییر زبان است». پیامد نگاه منفی به زبان قومی، افزایش کاربرد و آموزش زبان قدرتمند و معتبر است و از سوی دیگر، کاربرد هرچه بیشتر زبان معتبر نگرش منفی نسبت به زبان بومی را افزایش می‌دهد (بشیرزاد، ۱۳۹۰: ۵۳) و کاربرد آن را کم می‌کند و انتقال پیدا نکردن بین‌نسلی را به همراه دارد. در جوامع چندفرهنگی، رایج شدن استفاده از یک یا در نهایت دو زبان مشترک در شهرها در مقایسه با شمار زبان‌هایی که افراد در زادبوم‌های خود به کار می‌برند، به‌خوبی بیانگر این است که شهرنشینی با تغییر نگرش افراد، چگونه آنان را ترغیب یا مجبور می‌کند تا از زبان بومی خود دست بکشند و به زبان مشترک روی آورند. این مسئله در مقیاس کلان سبب کاهش گویشوران زبان‌های بومی محلی و افزایش گویشوران زبان‌های معتبر و قدرتمند می‌شود و بر تنوع زبانی در جهان تأثیر منفی می‌گذارد.

نمودار ۲. چگونگی تأثیر جهانی شدن و شهرنشینی بر تنوع زبانی (چارچوب مفهومی پژوهش)



منبع: نگارندگان

۴. تصویری از افول تنوع زبانی در جهان

یکی از جنبه‌های تأثیرگذار جهانی شدن بر زندگی انسان تحول زبان آنهاست. این تحول بیشتر به‌صورت مرگ بسیاری از زبان‌ها، افول برخی دیگر و گسترش چند زبان قوی نمود یافته است. هرچند زبان‌شناسان هنگام بررسی تنوع زبانی در دنیا، اهمیت آن را با تنوع زیستی مقایسه می‌کنند، اما شواهد حاکی از آن است که زبان‌ها بسیار سریع‌تر از موجودات دیگر از بین می‌روند. درحالی‌که میزان خطر انقراض ماهی‌ها ۵ درصد، گیاهان ۸ درصد، پرنده‌گان ۱۱

درصد و پستانداران ۱۸ درصد است، اما این میزان در مورد زبان‌ها به بیش از ۴۰ درصد می‌رسد (Harrison, 2007: 7). این مطلب، مسئله نگران‌کننده موجود در مورد آینده زبان‌هاست. نتایج پژوهش‌های کراوس نشان می‌دهد که ۹۰ درصد زبان‌های دنیا تا پایان سده بیست‌ویکم از بین خواهند رفت یا در چرخه انقراض قرار می‌گیرند؛ بدان معنی که تنها ۶۰۰ زبان از حدود ۶۰۰۰ زبان موجود در دنیا از خطر در امان‌اند (Krauss, 1992: 7). وضعیت زبان‌ها در مناطق مختلف جهان نیز بیانگر اوضاع وخیم آنها در بیشتر مناطق است. در این میان قاره آمریکا و استرالیا بحرانی‌ترین وضعیت را دارند. استرالیا و نیوزیلند با ۳۱۷ زبان مرده یا در حال مرگ در صدر قرار دارند، سپس امریکای جنوبی با ۲۰۴ مورد، شمال آمریکا با ۱۶۳ مورد، جنوب شرق آسیا با ۱۳۱ مورد و ملانزی با ۸۱ مورد در رده‌های بعد قرار دارند. در واقع از کل ۱۲۸۱ زبان موجود در این پنج منطقه ۸۹۶ زبان یا بیش از دوسوم زبان‌ها مرده یا در حال مرگ هستند (Lewis & Simons, 2013: 11).

مهم‌ترین عاملی که وقایع نامطلوب مذکور را امکان‌پذیر ساخته است، پدیده جهانی شدن است. این پدیده سبب شده ارتباط نزدیک‌تری از پیش موجود بین زبان، سرزمین و هویت فرهنگی توسط نیروهای جهانی شدن مورد چالش قرار گیرد (Graddol, 2000: 6)، به نحوی که به نظر می‌رسد امروزه آرایش و ترکیب زبانی همه کشورهای جهان تحت تأثیر جهانی شدن متحول شده است (UNESCO, 2009: 70). در واقع، جهانی شدن با تسلط شمار کمی زبان بین‌المللی بر دیگر زبان‌ها مشخص می‌شود که بر حیات زبان‌های کوچک‌تر که دارای جمعیت و گویشور کمتری هستند، تأثیر منفی می‌گذارد (UNESCO, 2009: 85). براساس نتایج پژوهش‌ها، هشت زبان (ماندارینی، اسپانیایی، انگلیسی، بنگالی، هندی، پرتغالی، روسی و ژاپنی) با بیش از ۱۰۰ میلیون گویشور دارای تقریباً ۲/۴ میلیارد گویشورند که اگر این را به ۲۰ زبان عمده گسترش دهیم، جمعیت گویشور آنها ۳/۲ میلیارد یعنی بیش از نیمی از جمعیت جهان خواهد شد. در مجموع آمارها نشان از این دارد که فقط ۴ درصد زبان‌های دنیا توسط ۹۶ درصد مردم جهان صحبت می‌شود. یک‌چهارم زبان‌های جهان کمتر از ۱۰۰۰ نفر و بیش از نیمی کمتر از ۱۰ هزار نفر گویشور دارند. شمار میانگین گویشوران برای همه زبان‌ها ۶ هزار نفر است (Crystal, 2000: 14).

براساس نتایج پژوهش‌های سیمون و لوئیس بیش از ۷۵ درصد زبان‌ها که در ۱۹۵۰ در کانادا، استرالیا و ایالات متحده مورد استفاده بودند، اکنون منقرض شده یا در حال مرگ هستند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از زبان‌های زنده دنیا دیگر به کودکان آموزش داده نمی‌شود (Lewis & Simons, 2013: 1). از زبان‌هایی که در ۱۹۵۰ رواج داشته‌اند، اکنون ۴/۷۱۹ زبان یعنی ۶۳ درصد از ۷/۴۸۰ زبان به نسل بعدی منتقل شده است و «زنده» هستند. در

مقابل ۱/۴۸۰ زبان یا ۲۰ درصد از زبان‌های دنیا «دارای مشکل»^۱ هستند، بدین معنی که این زبان‌ها به‌طور مؤثری از لحاظ بین‌نسلی انتقال پیدا نمی‌کنند. در نهایت، ۱۷ درصد یا ۱/۲۸۱ زبان مرده‌اند یا در حال مرگ هستند، زیرا برای بازگرداندن آنها انتقال طبیعی بین‌نسلی خیلی دیر شده است (Lewis & Simons, 2013: 9-10). از میان زبان‌های مرده یا در حال مرگ ۳۷۷ زبان یا ۵ درصد، همه گویشوران خود را از دست داده‌اند و زبان بودن آنها به‌عنوان هویت یک گروه در شش دهه گذشته متوقف شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد با حذف این زبان‌ها با توجه به خانواده زبانی، ما ۱۵ درصد ذخایر زبان‌شناختی دنیا را از دست داده‌ایم. نکته نگران‌کننده این است که ۳۲ درصد یا ۲/۳۸۴ مورد از زبان‌های زنده دنیا در حال حاضر در فرایندهای حذف زبانی قرار دارند (Lewis & Simons, 2013: 10). برآوردهای سازمان ملل نشان می‌دهد تا ۲۰۵۰ جمعیت شهرنشین جهان از ۴۹ درصد به ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت که سبب بالا رفتن فشار بر گویشوران زبان‌های اقلیت و محلی و انقراض زبان آنها خواهد شد (Lewis & Simons, 2013: 16).

۵. جهانی شدن و شهرنشینی

یکی از ابعاد اجتماعی جهانی شدن شهرنشینی و سبک زندگی ناشی از آن و تمام الزامات سیاسی و اقتصادی ناشی از آن است (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۳۰). شهرنشینی مفهوم پیچیده‌ای است که نه تنها به مهاجرت فیزیکی، بلکه به تمرکز جمعیت روستایی در گذشته غیرمتمرکز، در شهرها و شهرک‌ها اشاره دارد. مهم‌ترین عامل در شهرنشینی تغییر از اقتصاد روستایی به اقتصاد صنعتی و تجارت خدمات است (Nordberg, 1994: 1). جهانی شدن اقتصاد سبب شده است شهرها به‌عنوان کانون‌های جهانی شدن و بازیگران جدید در عرصه اقتصاد جهانی نقش ایفا کنند. در واقع جهانی شدن در شهرها به‌ویژه مادرشهرها اتفاق می‌افتد. پیدایش نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات راه دور، فرهنگ‌ها و سیاست‌ها، از نظر فضایی درون‌شبکه‌ای جهانی از شهرها اتفاق می‌افتد (شورت و کیم، ۱۳۸۴: ۱۴). اگرچه پیشینه شهر و شهرنشینی به حدود ۷-۵ هزار سال پیش از میلاد می‌رسد، توسعه فزاینده آن به سده کنونی می‌رسد. شمار شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفر تا سده پانزدهم میلادی ۷۵ شهر بود، درحالی‌که در فاصله ۴۰۰ سال اخیر از سده شانزدهم تا بیستم، ۷۵ شهر مذکور به ۱۴۴ شهر افزایش یافت که بیانگر انقلابی در زمینه شهرنشینی است. این تنها تغییر کمی نیست، بلکه همراه با خود تحولات اجتماعی اقتصادی نیز در پی داشته است (نقدی، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۷).

شهرها در طول تاریخ تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته‌اند، اما امروزه شهرها به‌عنوان

واحدهای اقتصادی اجتماعی در کانون توجه فرایندها و آثار جهانی شدن قرار دارند و بازتاب‌دهنده بیشترین تأثیرات امواج و دربردارنده بیشترین و آشکارترین نشانه‌های جهانی شدن هستند. این زیستگاه‌های انسانی مانند گذشته مهم‌ترین نقش را در فضای جریان‌های جهانی معاصر ایفا می‌کنند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۱). امروزه، روند مهاجرت به شهرها بر اثر جهانی شدن تشدید شده است (موکرچی، ۱۳۹۰: ۲۳۱) و تعامل روزافزونی میان جهانی شدن و شهرنشینی شکل گرفته است. جهانی شدن فرایندی چندوجهی است که کشورها، افراد و شهرها را از راه جریان کالا، خدمات، سرمایه، عقاید و فناوری به‌طور روزافزونی به هم نزدیک کرده است (Razavian, 2002: 209). شهرها امروزه مظهر و تجسم جهانی شدن هستند و جهانی شدن در شهرها به‌ویژه مادرشهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد. مسئله اصلی که در ارتباط با تحولات شهری جای تردید باقی نمی‌گذارد، پیوستن روزافزون شهرها به جریان‌های جهانی است (شورت و کیم، ۱۳۸۴: ۱۴). به محض اینکه منطقه‌ای به شهر تبدیل می‌شود، از جهانی شدن بیشترین تأثیر را می‌پذیرد و همزمان جهانی شدن را تسهیل می‌کند (Knauder, 2000: 23). یکی از تأثیرات جهانی شدن در شهرها، افزایش ناهمگونی جمعیتی و فرهنگی به‌علت مهاجرت است؛ به این سبب امروزه تنوع در شهرها به‌عنوان یک واقعیت اساسی نمود عینی پیدا کرده است و جمعیت شهرها دیگر همگونی فرهنگی، نژادی و قومی گذشته را ندارد (IOM, 2015: 187). افزایش جریان‌های فرهنگی فراملی، شهرهای بزرگ را قادر ساخته است تا الگوهای فرهنگی متنوعی را از سراسر جهان تجربه کنند. شکل‌گیری فرهنگ‌های جهانی در مادرشهرها شکل عمده‌ای از تحول شهری است (شورت و کیم، ۱۳۸۴: ۱۸) از این رو می‌گویند «در شهرهای جهانی احساس جهان‌شهری حاکم است» (شورت و کیم، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

جدول ۱. درصد رشد شهرنشینی در جهان، ۱۹۵۰-۲۰۵۰

سال	۱۹۵۰	۱۹۷۰	۲۰۱۱	۲۰۳۰	۲۰۵۰
جهان	۲۹/۴	۳۶/۶	۵۲/۱	۵۹/۹	۶۷/۲
مناطق توسعه‌یافته	۵۴/۴	۶۶/۶	۷۷/۷	۸۲/۱	۸۵/۹
مناطق در حال توسعه	۱۷/۶	۲۵/۳	۴۶/۵	۵۵/۸	۶۴/۱

Source: (DESA, 2012)

بر اساس برآوردهای سازمان ملل در جدول ۱، تا ۲۰۵۰ جمعیت شهرنشین جهان به ۶۷ درصد خواهد رسید، و همچنین جمعیت شهرنشین جهان سوم به ۶۴ درصد افزایش خواهد یافت (DESA, 2012). در فرایند رشد شتابان شهرنشینی، شهرها به‌عنوان «مکان تراکم

فرهنگی» (ربانی و وحید، ۱۳۸۱: ۲۷) و فرهنگ آنها با توجه به افزایش ارتباطات و کنش‌های فرهنگی میان افراد و گروه‌های انسانی تحولات مختلفی را پشت سر می‌گذارند و زبان به‌عنوان مهم‌ترین عامل و ابزار این ارتباطات از این تحولات مصون نمی‌ماند؛ تحولاتی که هرچند به تدریج صورت می‌گیرد؛ اما چنان عمیق و گسترده است که طی چند نسل ابعاد آن آشکار خواهد شد. نحوه تأثیرگذاری شهرنشینی بر زبان‌ها موضوع بحث بعدی است.

۶. شهرنشینی و زبان‌ها

زبان به سبب نقش مهمی که در زندگی اجتماعی انسان دارد، از تحولات و دگرگونی‌های جوامع انسانی تأثیر می‌پذیرد، و به نوبه خود متحول می‌شود. تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، پیشرفت‌های علمی، برخوردهای فرهنگی و مانند آن به‌طور معمول بازتاب زیادی در واژگان می‌یابند، و تحولاتی مانند جنگ‌ها و مهاجرت‌ها ممکن است افزون‌بر تغییرات واژگانی به حذف یک زبان و جایگزینی زبانی دیگر، پیدایش زبان‌های آمیخته و نیز پیدایش گروه‌های دوزبانه و مانند آن منتهی شود (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۲). مهاجرت و شهرنشینی به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی، پیامدهای زبانی متفاوتی به‌همراه دارد. شهرنشینی یکی از مواردی است که با توجه به گسترش آن طی دهه‌های اخیر در بستر جهانی شدن، تأثیر منفی زیادی بر تنوع زبان‌ها گذاشته و سبب همگونی زبانی بیشتری در دنیا شده است. از نظر زبان‌شناسان، زبان‌هایی که در نواحی شهری و در نزدیکی شهرها قرار دارند، به نسبت زبان‌هایی که دور از این نواحی هستند، بیشتر در خطر انقراض‌اند. به‌طور متقابل زبان‌هایی که با مراکز شهری در تماس نیستند، سرزنده‌ترند و در معرض خطرهای کمتری قرار دارند (Essegbey, 2009: 118). پرسش این است که شهرنشینی چگونه بر زبان‌ها تأثیر می‌گذارد؟ مهاجرت و شهرنشینی و تحولات مرتبط با آن به دو صورت بر زبان‌ها تأثیر می‌گذارد: نوع اول تطبیق‌پذیری و همانند شدن مهاجران با جامعه میزبان است و نوع دوم غرق شدن جمعیت میزبان در جمعیت مهاجر است. البته این دو صورت در بستر تغییر نگرش زبانی گویشوران یک زبان اتفاق می‌افتد که در هر صورت پیامد آن کاهش تنوع زبانی است.

۶.۱. تطبیق‌پذیری و همانند شدن مهاجران با جامعه میزبان

دیوید کریستال به‌منظور نشان دادن تأثیر شهرنشینی در از بین رفتن زبان‌ها مفهوم همانند شدن فرهنگی^۱ را مطرح می‌کند، و آن را مهم‌ترین عامل افول یک زبان می‌داند. وی پیشرفت وسایل ارتباطاتی را عامل مهمی در مهاجرت از روستا به شهر می‌داند (Crystal, 2000: 76-79). آنچه

کریستال آن را همانند شدن فرهنگی می‌نامد، در بیانی دیگر از آن به فرهنگ‌پذیری^۱ تعبیر می‌شود که «مجموعه پدیده‌هایی است که از تماس دائم و مستقیم میان گروه‌هایی از افراد با فرهنگ‌های متفاوت نتیجه می‌شود و تغییراتی را در الگوهای فرهنگی یک یا دو گروه موجب می‌گردد» (Sam, 2006: 11-12).

تطبیق‌پذیری و همانند شدن یا فرهنگ‌پذیری مهاجران از جامعه میزبان زمانی رخ می‌دهد که مهاجران به‌منظور دستیابی به اهداف خود و تحت تأثیر نفوذ زبان و فرهنگ جامعه میزبان، ابتدا خود دوزبانه می‌شوند و زبان شهر میزبان یا زبان ملی را که در آنجا رواج دارد، می‌آموزند و به‌کار می‌برند و بدین‌صورت انتقال زبان خود به نسل‌های بعد را به فراموشی می‌سپارند و بدین‌ترتیب نسل‌های بعدی به‌تدریج با زبان ملی یا زبان شهر میزبان تک‌زبانه می‌شوند. این در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که مهاجران این تلقی را داشته باشند که اگر با زبان دیگری صحبت کنند، وضعیت بهتری خواهند داشت. این نوع تغییر زبان را داوطلبانه می‌گویند. تغییر داوطلبانه سبب از بین رفتن زبان طی چند دهه یا سده می‌شود (Nettle & Romaine, 2000: 90-91). از سوی دیگر، مهاجران از سوی جامعه بزرگ‌تر جهت تغییر تحت فشار قرار می‌گیرند. مهاجران که نسبت به جمعیت اکثریت متفاوت تلقی می‌شوند، اغلب از سوی گروه اکثریت، تهدید تلقی می‌شوند و فشار بر آنها برای یکدست شدن با گروه اکثریت زیاد است. تغییر زبان و یادگیری زبان مسلط، علامت ادغام در جامعه جدید تلقی می‌شود (Holmes, 2013: 54).

جدا از نگرش مهاجران و فشار روانی جامعه میزبان بر مهاجران، جنبه کاربردی زبان نیز اهمیت دارد که ناشی از اهداف اقتصادی اجتماعی افراد است. همان‌طور که هلمز می‌گوید، به‌دست آوردن شغل مهم‌ترین دلیل اقتصادی برای یادگیری زبان دیگر است (Marpaung & Firdaus, 2017: 109). هنگامی که افراد سرزمین آبا و اجدادی خود را به دلایل گوناگون رها می‌کنند و در سرزمین جدیدی سکنی می‌گزینند، برای کسب موفقیت، نخستین نیازی که با آن روبه‌رو می‌شوند، نیاز به زبان مشترک برای ارتباط است و به‌طور معمول زبان مسلط در آن شهر را به‌عنوان زبان ارتباطی خود برمی‌گزینند. یادگیری و کاربرد زبان مسلط در مراکز شهری تهدیدی جدی برای زبان‌های مهاجران که به‌طور معمول در اقلیت قرار می‌گیرند، ایجاد می‌کند (Lewis & Simons, 2013: 16). در فضاها شهری پرجمعیت، زبان‌های کوچک اغلب شرایط حیات خود را از دست می‌دهند (Harrison, 2007: 14). چون در چنین محیط‌هایی زبان‌های کوچک‌تر از لحاظ جمعیتی، از سوی گویشوران آنها رها شده و به نفع زبان مسلط‌تر، دارای پرستیژ بالاتر یا شناخته‌شده‌تر، کاربرد آنها متوقف می‌شود (Harrison, 2007: 5).

1. Acculturation

رایج شدن زبان مسلط و مشترک میان مهاجران در شهرها، در پژوهش کالوت در مورد زبان مردم نیامی، پایتخت نیجر نشان داده شده است. جمعیت این شهر بر اثر مهاجرت رشد سریعی را طی کرده، و حدود پانزده گروه زبانی در این شهر وجود دارد، اما ساکنان آن به منظور برقراری ارتباط، زبان‌های اول خود را کنار گذاشته‌اند و فقط از دو زبان مسلط یعنی هوسا^۱ و زارما^۲ برای دادوستد استفاده می‌کنند. زبان زارما زبان محلی و بومی نیامی است که به صورت زبان میانجی و مسلط عمل می‌کند، و زبان هوسا در عمل زبان بیگانه‌ای است که از نیجریه آمده است و از لحاظ پرستیژ در مرتبه بالاتری از هوسا قرار دارد (Calvet, 1998: 84-87).

در شرایطی که یک زبان در شهری حاکم باشد، این زبان در تغییر زبانی مهاجران نقش مهمی ایفا می‌کند. هرچند نسل اول مهاجران دوزبانه می‌شوند، اما با وجود تسلط یک زبان در شهر، نسل‌های بعدی در عمل در معرض یک زبان هستند و زبان بومی والدین خود را یاد نمی‌گیرند و این سبب می‌شود که جوان‌ترین نسل‌ها تک‌زبانه شوند. وضعیت گویشوران زبان سیریر^۳ در داکار نیز همین گونه است. گویشوران این زبان که در بیست‌سالگی از روستا به شهر داکار مهاجرت کردند، زبان ولوف^۴ را که زبان مسلط کار و تجارت در این شهر بود، آموختند و با دارا بودن زبان سیریر به افرادی دوزبانه تبدیل شدند. اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد فرزندانشان شناخت مبهمی از زبان سیریر دارند و خوب با این زبان صحبت نمی‌کنند. گفت‌وگوی والدین با فرزندان اغلب دوزبانه یا به‌طور کامل به زبان ولوف صورت می‌گیرد. نسل بعدی (نوه‌ها) به‌طور کلی این زبان را نمی‌فهمند، و فقط با زبان ولوف با والدین و پدر و مادر بزرگ خود صحبت می‌کنند، بدین ترتیب زبان سیریر مثل گذشته دیگر در میان این خانواده‌ها استفاده نمی‌شود. پژوهش نشان می‌دهد که به سبب وجود یک زبان مشترک در نواحی شهری سنگال، دیگر نسل جوان این کشور دو یا چندزبانه نیستند، بلکه فقط زبان شهری را می‌دانند (McLaughlin, 2009: 5-6).

یکی از وجوه رایج شدن زبان مسلط و مشترک در شهرها، حرکت زبان‌ها به سوی استاندارد و یکسان شدن است (Amara, 2005). در واقع زبان‌های گسترده‌تر و استانداردتر در جهت همسان‌سازی زبانی جمعیت متنوع و گوناگون در مناطق شهری عمل می‌کنند. این مسئله سبب می‌شود که گونه‌های دیگر زبانی از بین بروند و زبان رسمی جایگزین دیگر زبان‌ها شود (Tandefelt, 1994: 247). نتایج پژوهش عماره در شهر بیت لحم در خصوص تأثیر مهاجرت و

1. Hausa
2. Zarma
3. Seereer
4. Wolof

شهرنشینی بر زبان عرب‌زبان‌های این شهر نشان می‌دهد در صورتی که ساکنان این شهر بیشتر از گونه‌ای از زبان عربی که در روستاهای فلسطینی رواج داشته استفاده می‌کردند، با تبدیل شهرک بیت لحم به شهر بر اثر مهاجرت، زبان آنها به سوی استاندارد و شهری شدن پیش رفته است که نشان از نفوذ گونه استاندارد عربی دارد. فیشمن اشاره می‌کند که مهاجرت به شهر دارای تأثیر زبان‌شناختی اجتماعی شبیه مهاجرت به یک کشور است (Fishman et al., 1971, qtd. in Amara, 2005: 883). شهرها مکان آمیختن و ترکیب زبان‌های گوناگون هستند و تحولات آنها به مدرن شدن و توسعه آموزش و ایجاد فشار برای استانداردسازی زبان منجر می‌شود (Amara, 2005). شهرنشینی عامل مؤثری در تقویت زبان معتبر و قدرتمندتر و به حاشیه راندن زبان‌های محلی و در نتیجه تغییر زبان است؛ بدین معنی که افراد ساکن در مناطق شهری بیش از روستاییان به استفاده از زبان معتبرتر و انتقال آن به عنوان زبان اول به فرزندان خود تمایل دارند. یافته‌های پژوهشی در مورد کاربرد زبان مازندرانی و فارسی در استان مازندران نشان می‌دهد که شهرنشینی بیش از روستاییان به استفاده از زبان فارسی تمایل دارند، و بیش از دو برابر روستاییان، فارسی را به عنوان زبان اول (به جای زبان مازندرانی) به نسل بعدی خود منتقل کرده‌اند (بشیرنژاد، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

۲. ۶. غرق شدن زبانی جامعه میزبان

در حالی که در نوع پیشین تغییر، زبان جامعه میزبان است که بر مهاجران تأثیر می‌گذارد، اما در اینجا فرهنگ و زبان مهاجران است که جامعه میزبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسئله هنگامی اتفاق می‌افتد که به علت ورود زیاد افراد مهاجر، جمعیت میزبان اکثریت خود را از دست می‌دهد و زبان جامعه میزبان نخستین قربانی این تسلط می‌شود. در اینجا زبان مهاجران به زبان رسمی جامعه تبدیل شده و زبان جامعه میزبان در عمل حذف می‌شود. به طور معمول این تسلط با برتری نظامی اولیه اتفاق می‌افتد (Crystal, 2000: 76-79). این گونه تغییر زبان بیشتر از نوع اجباری بوده و در بستر استعمارگرایی قابل تحلیل است (Otsuka, 2007: 448). گسترش زبان فرانسه در افریقا و زبان انگلیسی در قاره امریکای شمالی و استرالیا (کریستال، ۱۳۹۰: ۳۸-۸۱) و همچنین جایگزینی زبان انگلیسی به جای زبان فارسی در شبه قاره هند (رمضان‌نیا، ۱۳۹۶) نمونه‌هایی از این گونه تغییر زبان است.

هرچند پیشینه این گونه تغییر زبان را می‌توان در بستر استعمار دید، اما امروزه به واسطه جهانی شدن و آسان شدن حمل و نقل، اکثریت یافتن مهاجران در شهر جدید خود، دور از ذهن نیست. به طور مثال، محمدی در توصیف وضعیت زبانی ونکوور کانادا می‌گوید در ونکوور بزرگ به علت مهاجرت زیاد چینی‌ها، زبان چینی پس از زبان انگلیسی رایج‌ترین زبان است و دوزبانه بودن کانادا و رسمیت زبان فرانسه در ونکوور احساس نمی‌شود (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰).

جهانی شدن یک شهر، صنعتی شدن سریع و انتقال مرکز سیاسی به یک شهر را می‌توان امروزه از عواملی دانست که احتمال تشدید مهاجرت به یک ناحیه را افزایش می‌دهد و سبب تغییرات زبانی جامعه میزبان می‌شود. بررسی زبان گا^۱ در آکرا^۲ نشان می‌دهد که چگونه بر اثر مهاجرت زیاد به این شهر، زبان مردم آن در اقلیت قرار گرفته و گویشور آن به ۱۸/۹ درصد در مقابل ۳۹/۸ درصد جمعیت گویشور زبان آکان^۳، رسیده است. به واسطه مهاجرت و برهم خوردن ترکیب جمعیتی این شهر، زبان آکان در حال جایگزین شدن به جای زبان گا است (Essegbey, 2009: 115-).

افول زبان سوئدی در وانا نمونه دیگری از این موارد است. وانا منطقه‌ای روستایی با زبان سوئدی بود که به سبب نزدیکی به هلسینکی و مهاجرت از مناطق جنوب که فنلاندی زبان بودند، اکنون به شهری با جامعه فنلاندی زبان تبدیل شده است. در ۱۸۸۰، ۷۸ درصد جمعیت آنجا سوئدی‌زبان و ۲۳ درصد فنلاندی‌زبان بودند و یک قرن بعد، در ۱۹۸۰ وانا به جامعه‌ای به‌طور کامل شهری تبدیل شده بود، همراه با تغییرات زبانی، به نحوی که جمعیت سوئدی‌زبان آن به ۵ درصد کل جمعیت تقلیل یافت (Tandefelt, 1994: 246-266).

۷. نتیجه

شهرنشینی یکی از ابعاد اجتماعی جهانی شدن است که پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌همراه دارد. بر اثر جهانی شدن و گسترش فناوری اطلاعات، از یک سو افراد بهتر و سریع‌تر از وجود فرصت‌های شغلی در نقاط مختلف یک کشور و جهان اطلاع پیدا می‌کنند و از سوی دیگر، فناوری ارتباطات با بهبود سامانه‌های حمل‌ونقل، حرکت و جابه‌جایی افراد را آسان کرده است. از دیگر سو، بعد اقتصادی جهانی شدن تسهیل حرکت سرمایه و فناوری در ورای مرزها، تشدید صنعتی شدن شهرها و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش صنعت و خدمات شهرها را به‌همراه داشته و سبب افزایش مهاجرت نیروی کار روستاها به نقاط شهری شده و بدین ترتیب شهرنشینی را تشدید کرده است. شهرنشینی فقط افزایش جمعیت در شهرها نیست، بلکه فرایندی است که در آن دو نوع حرکت و تغییر اتفاق می‌افتد؛ نخست حرکت و انتقال جمعیت از مناطق روستایی به شهری و دیگری تغییر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و هنجاری و در یک کلام فرهنگ افراد.

موارد بررسی شده در این پژوهش نشان می‌دهد هرچند افراد به‌ظاهر به دلایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و به‌خصوص اقتصادی دست از زبان بومی محلی خود کشیده و زبان غالب یا

1. Ga

۲. پایتخت غنا

3. Akan

معتبرتر را که در شهرها رواج دارد، استفاده می‌کنند، اما این تغییر ریشه در تغییر «نگرش زبانی» آنها دارد که می‌توان آن را از پیامدهای مهم فرهنگی شهرنشینی دانست که سبب ایجاد نگرش‌های مثبت نسبت به زبان غالب و معتبر و نگرش منفی نسبت به زبان‌های بومی محلی می‌شود و ضمن تسهیل فرهنگ‌پذیری و همگون شدن با اکثریت، کاهش کاربرد زبان اقلیت، مقاومت زبانی نسل‌های جدید و کاهش فراگیری این زبان توسط این نسل‌ها و به‌طور کلی عدم انتقال بین‌نسلی زبان و به‌تبع آن حذف یک زبان را با خود به‌همراه دارد. مسئله مهم نگرش زبانی گویشوران نسبت به زبان خود است که حفظ یا حذف زبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در این صورت فرقی نمی‌کند جامعه مهاجر زبان خود را از دست دهد یا جامعه میزبان. گرچه اعتقاد بر این است که مهاجرت به شهر دارای تأثیر زبان‌شناختی مشابه مهاجرت به یک کشور است، به‌نظر می‌رسد شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر در داخل کشورها با توجه به گسترده بودن، عواقب منفی بیشتری نسبت به مهاجرت‌های بین‌المللی بر تنوع زبانی داشته باشد؛ زیرا نخست تحرک جمعیتی در داخل کشورها به‌طور معمول تابع هیچ قانون و مقرراتی نیست. دوم اینکه سختی مهاجرت به کشورهای دیگر را ندارد، از این رو مهاجرت به شهرها بیشتر و راحت‌تر صورت می‌گیرد. سوم اینکه به‌طور معمول روستاها منبع تنوع زبانی هستند و خالی شدن آن از نسل جوانی که انتقال‌دهنده زبان و فرهنگ روستا به نسل بعد است، زبان‌های روستایی را به‌سوی افول هدایت می‌کند. به‌نظر می‌رسد ناهمگونی جمعیتی و فرهنگی در شهرها در عصر جهانی شدن به‌عنوان یک واقعیت اساسی پدیدار شده است و شهرها امروزه به مکان‌های تنوع فرهنگی تبدیل شده‌اند، اما این مطلب در مورد زبان صدق نمی‌کند، زیرا ماهیت ارتباطی زبان به‌گونه‌ای است که شاهد همگونی زبانی در شهرها هستیم تا تنوع زبانی. افزون‌بر مسائل مطرح‌شده، باید به این نکته مهم توجه داشت که بر اساس برآوردهای سازمان ملل، افزایش چشمگیر شهرنشینی در جهان و به‌ویژه در مناطق در حال توسعه بیانگر تخلیه مناطق روستایی است که منبع غنی تنوع زبانی دنیا هستند. این اتفاق سبب افزایش فشارها بر زبان‌های بومی محلی و انقراض آنها خواهد شد و در مقیاس کلان بر تنوع زبانی در جهان تأثیر منفی خواهد گذاشت و آینده‌ای تیره و تار را برای تنوع زبانی دنیا رقم خواهد زد. بررسی تأثیر شهرنشینی بر زبان‌ها نشان می‌دهد که چگونه این پدیده می‌تواند به نابودی تنوع زبانی کمک کند، و مهم‌ترین عامل همگونی زبانی در جهان باشد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کلمه.
۲. بشیرزاد، حسن. (۱۳۹۰) *مرگ زبان: مبحثی در جامعه‌شناسی زبان*. آمل: شمال پایدار.
۳. ———. (۱۳۹۷) «تحلیلی اجتماعی- زبان‌شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران» *فصلنامه زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، ۱۰، ۲۷: ۱۴۵-۱۱۹، <DOI: 10.22051/JLR.2017.12396.1218>.
۴. باقری، رحمان؛ و دیگران. (۱۳۹۹) «مطالعه جامعه‌شناختی هویت زبانی مهاجرین قوم لک ساکن تهران»، *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی دانشگاه پیام نور*، ۲، ۱۰: ۴۹-۵۹.
۵. پوراحمد، احمد؛ و دیگران. (۱۳۹۰) «بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه شهر جهانی»، *باغ نظر*، ۱۶: ۴۲-۲۹. در: http://www.bagh-sj.com/article_3.html?lang=fa (۲۴ مهر ۱۳۹۸).
۶. داوری اردکانی، نگار؛ آذر دخت جلیلیان. (۱۳۹۲) *جامعه‌شناسی زبان: برنامه‌ریزی زبان فارسی و نگرش‌های زبانی*. تهران: جامعه‌شناسان.
۷. ربانی، رسول؛ فریدون وحیدا. (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: سمت.
۸. رمضان‌نیا، مهرداد. (۱۳۹۶) *پایان فارسی در شبه‌قاره هند*. تهران: نگارستان اندیشه.
۹. شولت، جن آرت. (۱۳۸۳) «جهانی شدن سیاست» در جان بیلینس و استیو اسمیت، *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر جدید*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: ابرار معاصر، ج ۱: ۸۹-۴۵.
۱۰. ———. (۱۳۸۳) «تجارت و مالیه جهانی» در جان بیلینس و استیو اسمیت، *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر جدید*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: ابرار معاصر، ج ۲: ۱۲۰۷-۱۱۶۱.
۱۱. شورت، جان؛ یونگ کیم. (۱۳۸۴) *جهانی شدن و شهر*، ترجمه احمد احمدپور و شایان رستمی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۲. ———. (۱۳۸۰) *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مرکز، ج ۲.
۱۳. فراستی، شهلا؛ و دیگران. (۱۳۹۸) «فرسایش و تغییرات زبانی در کردی کلهری ایلامی‌های مقیم تهران»، *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۷، ۲۵: ۹۵-۱۱۰. در: https://j1w.razi.ac.ir/article_1075.html (۲۱ آبان ۱۳۹۹).
۱۴. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴) *در هزارتوهای نظم جهانی، گفتارهایی در مسائل توسعه اقتصادی و سیاسی*. تهران: نی.
۱۵. کارنکراس، فرانسس. (۱۳۸۴) *زوال فاصله‌ها؛ چگونه انقلاب ارتباطات زندگی ما را تغییر خواهد داد؟*، ترجمه نصرالله جهانگرد و دیگران. تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
۱۶. کریستال، دیوید. (۱۳۹۰) *انگلیسی به مثابه زبان جهانی*، ترجمه نگار داوری اردکانی و حسین مغانی. تهران: مشق شب.
۱۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی، ج ۶.
۱۸. محمدی، بیوک. (۱۳۸۰) *زندگی ایرانیان در کانادا: پژوهشی در زندگی واقعی ایرانیان مقیم ونکوور کانادا*. تهران: واژه آرا.
۱۹. مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸) *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۰. معارف‌وند، فهیمه؛ ابراهیم توفیق. (۱۳۹۳) «هویت قومی مهاجران و روند ادغام آنان در ساختار و مناسبات شهری: مطالعه مهاجران کردمحلّه اسلام‌آباد شهر کرج به روش نظریه مبنایی»، *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۵، ۱: ۱۲۴-۱۲۳. در: <https://jspi.khu.ac.ir/article-1-1935-fa.html> (۲۱ آبان ۱۳۹۹).

۲۱. موکرجی، شکر. (۱۳۹۰) مهاجرت و تباهی شهری، ترجمه فرهنگ ارشاد و عبدالله سالاروند. تهران: جامعه‌شناسان.
۲۲. نقدی، اسدالله. (۱۳۸۲) درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری: انسان و شهر. همدان: فن‌آوران.

ب) انگلیسی

23. Amara, Muhammad. (2005) "Language, Migration, and Urbanization: The Case of Bethlehem." *Linguistics* 43, 5: 883-901, <DOI:10.1515/ling.2005.43.5.883>.
24. Calvet, Louis-Jean. (1998) *Language Wars and Linguistic Policy*. Oxford: Oxford University Press.
25. Crystal, David. (2000) *Language Death*. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Department of Economic and Social Affairs (DESA). (2012) *World Urbanization Prospects: The 2011 Revision*. New York: UN.
27. Essegbey, James. (2009) "On Assessing the Ethnolinguistic Vitality of Ga in Accra," in Fiona McLaughlin, ed. *The Languages of Urban Africa*. London and New York: Continuum, 115-130.
28. Fishman, Joshua A., et al., eds. (1971) *Bilingualism in the Barrio*. Bloomington, IN: Indiana University Publications.
29. Graddol, David. (2000) *The Future of English?* London: The British Council.
30. Hachimi, Atiqa. (2009) "The Story of Old-Urban Vernaculars in North Africa," in Fiona McLaughlin, ed., *The Languages of Urban Africa*. London and New York: Continuum, 32-49.
31. Harrison, David K. (2007) *When Languages Die: The Extinction of the World's Languages and the Erosion of Human Knowledge*. Oxford: Oxford University Press.
32. Held, David; and Anthony McGrew. (2007) *Globalization/ Anti-Globalization, Beyond the Great Divide*. Cambridge: Polity Press, 2nd ed.
33. Holmes, Janet. (2013) *An Introduction to Sociolinguistics*. London & New York: Routledge, 4th ed.
34. International Organization for Migration (IOM). (2015) *World Migration Report 2015; Migrants and Cities: New Partnerships to Manage Mobility*. Geneva: IOM.
35. Knauder, Stefanie. (2000) *Globalization, Urban Progress, Urban Problem, Rural Disadvantages: Evidence from Mozambique*. Aldershot and Burlington: Ashgate.
36. Krauss, Michael. (1992) "The World's Languages in Crisis," *Language* 68, 4. 4-10, <DOI: 10.1353/lan.1992.0075>.
37. Lewis, Paul M.; and Gary F. Simons. (2013, August) "The World's Languages in Crisis: A 20-year Update," A Paper Presented at the 26th Linguistics Symposium: *Language Death, Endangerment, Documentation and Revitalization*. University of Wisconsin, Milwaukee, 20-22 October 2011. Available at: https://scholars.sil.org/sites/scholars/files/gary_f_simons/preprint/wisconsin_symposium.pdf (Accessed 31 August 2019).
38. Marpaung, Muhammad Fauzi Romadhon; and Wildany Firdaus. (2017) "Language Shift of Mandailing Language on Mandailingnese Family in

- Medan.” *International Journal of Linguistics* 9, 14: 106-121, <DOI:10.5296/IJL.V9I4.11573>.
39. McLaughlin, Fiona. (2009) “Introduction to the Languages of Urban Africa,” in Fiona McLaughlin, ed. *The Languages of Urban Africa*. London and New York: Continuum, 1-18.
 40. Mufwene, Salikoko S. (2010) “Globalization, Global English, and World English(es): Myths and Facts,” in Nikolas Coupland, ed. *The Handbook of Language and Globalization*. London: Wiley-Blackwell, 31-55.
 41. Nettle, Daniel.; and Suzanne Romaine. (2000) *Vanishing Voices: The Extinction of the World's Languages*. Oxford: Oxford University Press.
 42. Nordberg, Bengt. (1994) *The Sociolinguistics of Urbanization: The Case of the Nordic Countries*. Berlin: Water De Gruyter.
 43. Otsuka, Yuko. (2007) “Making a case for Tongan as an Endangered Language” *Thd Contemporary Pacific*. 19,2.446-473. DOI: 10.1353/cp.2007.0064.
 44. Rantanen, Terhi. (2005) *The Media and Globalization*. London: Thousand Oaks.
 45. Razavian, Mohammad. Taghi. (2002) “Globalization, Civilization and Urbanization,” *Pajohesh' nāmeḥ-e eghtesādi (Journal of Economic Research Review)* 2, 5: 195-227. Available at: https://joer.atu.ac.ir/article_3182.html (Accessed 31 August 2019).
 46. Sam, David L. (2006) “Acculturation: Conceptual Background and Core Components,” in David L. Sam and John W. Berry, eds., *The Cambridge Handbook of Acculturation Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press, 11-26.
 47. St-Hilaire, Aonghas. (2003) “Globalization, Urbanization and Language in Caribbean Development: The Assimilation of St. Lucia,” *New West Indian Guide* 77, 1-2: 65-84. Available at: https://www.jstor.org/stable/41850228?seq=1#metadata_info_tab_contents (Accessed 31 August 2019).
 48. Tamandehrou, Amanollah. and Saad Ullah Khan. (2015) “Assessing the Importance of Globalization and New Media Technology in 21st Century: An Analytical Overview,” *International Journal of Multifaceted and Multilingual Studies* 1, 1: 1-19, <DOI:10.6084/m9.figshare.12152346>.
 49. Tandefelt, Marika. (1994) “Urbanization and Language Shift,” in Bengt Nordberg, ed. *The Sociolinguistics of Urbanization: The Case of the Nordic Countries*. Berlin: Water De Gruyter, 246-273.
 50. Thompson, Grahame. (2000) “Economic Globalization?” in David Held, ed. *A Globalizing World? Culture, Economics, Politics*. London: Routledge, 85-126.
 51. UNESCO. (2003). *Language Vitality and Endangerment*. Presented at the International Expert Meeting on UNESCO Programme Safeguarding of Endangered Languages, Paris: UNESCO Ad Hoc Expert Group on Endangered Languages. Available at: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000183699> (Accessed 31 August 2019).
 52. ———. (2009) UNESCO World Report: Investing in Cultural Diversity and Intercultural Dialogue. Paris: UNESCO.



Research Paper

Globalization, Intensification of Urbanization and Decline of Linguistic Diversity

Ali Sabbaghian^{1*}, Ebrahim Oloumi²

¹ Assistant Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² PhD in International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 17 November 2019, Accepted: 25 October 2021

© University of Tehran

Abstract

The phenomenon of globalization in the present age has caused profound and far-reaching changes in human life. Due to the globalization and expansion of information technology, people are becoming aware of the existence of job opportunities in different parts of a country and the world in a more effective and faster manner. In addition to the spread of more advanced communication technologies, the improvement of transportation systems have made it easy for people to move around. Likewise, the economic dimension of globalization has facilitated the movement of capital and technology across borders, intensified the industrialization of cities, created job opportunities in the industrial and service sectors of cities, and has increased the migration of rural labor to urban areas. All these developments have intensified urbanization, which is not only an increase in the size of population in urban areas, but also a dynamic process that brings with it two types of movement and change: First, the movement and transfer of population from rural to urban areas with changes in functions, especially in economic sphere: Second, Urbanization is accompanied by changes in demographic composition of urban population, lifestyle, value system of individuals, and generally speaking by cultural changes. In multicultural societies, language as the most important element of cultural identity and the factor of differentiation of groups and individuals is the first element that is endangered in migration to cities. Language as a means of communication is the most important need of people for interaction, so it is also the first cultural element that is affected by migration to cities. Cities usually have a culture of consumption and assimilation; and learning a dominant language facilitates the assimilation process. One of the most important cultural attributes which is lost due to urbanization in multicultural societies is language. A key objective of this article is to answer the question of how urbanization affects language diversity in cities. In the hypothesis, it is

* Corresponding Author Email: sabbaghian@ut.ac.ir

declared that globalization with the accompanied intensification of urbanization cause a linguistic decline by the assimilation and integration of immigrants in the new urban society as well as the drowning of the immigrant population in the host population. The ways by which urbanization affect language occur in the context of changing the "linguistic attitudes" of the speakers. This study is conducted by analyzing the data collected in research projects and official reports of UNESCO and DESA concerning the implications of globalization on language developments, as well as the global consequences of urban growth for linguistic diversity.

The case studies show that although people seem to give up their local language for social, cultural, political and especially economic reasons and use the dominant or more authoritative language that is common in cities, this change is rooted in the change of their "linguistic attitude" which can be considered as one of the important cultural consequences of urbanization by creating positive attitudes towards the dominant and valid language and negative attitudes towards their local indigenous languages. This is done by facilitating acculturation and assimilation with the majority, as well as reducing the use of minority languages, language resistance of future generations and generally the absence of intergenerational transmission of language which consequently lead to the elimination or death of a language. What is important here is the linguistic attitude of the speakers towards their language, which affects the preservation or elimination of the language. Of course, it does not matter whether the immigrant community or the host society lose its language. Although demographic and cultural heterogeneity in cities seems to have become a fundamental reality in the age of globalization, and cities have become places of cultural diversity today, this is not the case with language because the communicative nature of language is such that we see linguistic homogeneity in cities rather than linguistic diversity.

It is believed that urban migration has the same linguistic effects as migrating to a country, but urbanization together with rural-to-urban migration within countries, given their prevalence, seem to have more negative consequences on international language diversity than international migration for three reasons: 1. population mobility within countries is usually not subject to any laws or regulations; 2. it is difficult to migrate to other countries, so migration to cities is more widespread and easier, and 3. A village is usually a source of linguistic diversity, and the withdrawal of the younger generation, which transmits the language and culture of the village to the next generation, leads to the decline of rural languages. It is important to note that according to UN estimates, the world's urban population will increase from 49% to 70% by 2050, and the urban population of the Third World will be 64%. The data indicate the evacuation of the world's villages, especially the rural areas of the developing world with its rich source of world linguistic diversity. On a large scale, the growing trend of urbanization will have a negative effect on linguistic diversity in the world; and it will shape a bleak future for the world's linguistic diversity. The analysis of the

impact of urbanization on languages shows how it can destroy language diversity and increase language homogeneity in the world.

Keywords: Globalization, Urbanization, Migration, Linguistic Diversity, Linguistic Attitude

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-4505-2133>

References

- Amara, Muhammad. (2005) "Language, Migration, and Urbanization: The Case of Bethlehem," *Linguistics* 43, 5: 883-901, <DOI:10.1515/ling.2005.43.5.883>.
- Azkiā, Mostafa; & Qolamreza Qafari. (1998) *Jāmē'shenāsi-ye tosēh (Sociology of Development)*. Tehran: Kalameh. [in Persian]
- Bagheri, Rahman, et al. (2020) "(Motālēh-ye Jāmē'shenāsi-ye hoviya-t-e zabāni-ye mohājerin ghom-e lak-e sāken-e Tehrān (A Sociological Study on Linguistic Identity of Lak Migrant in Tehran)," (*fasl'nāme-h-ye zabān-shenāsi-ye ejtemāi daneshgāh-e payām-e noor (Iranian Journal of Sociolinguistic, Payam-e Noor University* 2, 10: 49-59, <DOI: 10.30473/IL.2020.47104.1273>. [in Persian]
- Bashirnezhad, Hassan. (2011) *Marg-e zabān: mabhasi dar Jāmē'shenāsi-ye zabān (Language Death, A Course in Sociolinguistics)*. Amol: Shomal-e Paydār. [in Persian]
- Bashirnezhad, Hassan. (2018) "Tahlili ejtemāi-zabān'shenākhti bar jāyegah va kārbord-e māzanderāni va fārsi dar ostān-e Māzanderān (A Sociolinguistic Analysis on the Status and Usage of Mazanderani and Persian in Mazanderan)," *Zabānpazhuhi (Journal of Language Research)* 10, 27: 19-145, <DOI:10.22051/JLR.2017.12396.1218>. [in Persian]
- Cairncross, Frances. (2005) *Zavāl-e fāseleh'ha: chegone Enghelāb-e ertebātāt zendegi-ye mā rā taghir khāhad dād (The Death of Distance: How the Communications Revolution Is Changing our Lives*, trans. Nasrollah Jahangard, et al. Tehran: Secretariat of the High Information Council. [in Persian]
- Calvet, Louis-Jean. (1998) *Language Wars and Linguistic Policy*. Oxford: Oxford University Press.
- Crystal, David. (2000) *Language Death*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crystal, David. (2011) *Ingilisi b'masābe-ye zabān-e jahāni (English as a Global Language)*, trans. Negar Davari Ardakani and Hossein Moghani. Tehran: Mashgh-e Shab. [in Persian]

- Davari Ardakani, Negar; and Azardokht Jalilian. (2013) *Jāmē'shenāsi-ye zabān: barnāme'rizi-e zabān-e fārsi va negāresh'hā-ye zabāni (Sociolinguistics: Persian Language Planning and Iranian Linguistic Attitudes)*. Tehran: Jāmē'shenāsān. [in Persian]
- Department of Economic and Social Affairs (DESA). (2012) *World Urbanization Prospects: The 2011 Revision*. New York: UN.
- Essegbey, James. (2009) "On Assessing the Ethnolinguistic Vitality of Ga in Accra," in Fiona McLaughlin, ed. *The Languages of Urban Africa*. London and New York: Continuum, 115-130.
- Fakouhi, Nasser. (2005) *Dar hezārttu'hā-ye nazm-e jahāni, goftār'hā-i dar masāel-e tosēh-ye eghtesādi va siyāsi. (In the Labyrinths of the World Order: Articles on Current Issues in Economic and Political Development)*. Tehran: Nay. [in Persian]
- Farasati, Shahla; Kouroush Saberi, and Hiwa Weisi. (2019) "Farsāyesh va taghirāt-e zabāni dar kurdi-ye kolhāri-ye elāmi'hā-ye moghim-e Tehrān (Language Attrition among Kalhori Kurdish Speakers Living in Tehran)," *Faslnāme-ye motāleāt-e zabān'hā va goyesh'hā-ye gharb-e Īrān (Journal of Western Iranian Languages and Dialects)* 7, 25: 95-110. Available at: https://jlw.razi.ac.ir/article_1075.html (Accessed 11 November 2020). [in Persian]
- Fishman, Joshua A., et al., eds. (1971) *Bilingualism in the Barrio*. Bloomington, IN: Indiana University Publications.
- Giddens, Anthony. (2000) *Jāmē'shenāsi (Sociology)*, trans. Manochhr. Sabouri. Tehran: Markaz, 6th ed. [in Persian]
- Giddens, Anthony. (2001) *Payām'hā-ye moderniyāt (The Consequences of Modernity)*, trans. Mohsen Salasi. Tehran: Nay, 2nd ed. [in Persian]
- Graddol, David. (2000) *The Future of English?* London: The British Council.
- Hachimi, Atiqa. (2009) "The Story of Old-Urban Vernaculars in North Africa," in Fiona McLaughlin, ed., *The Languages of Urban Africa*. London and New York: Continuum, 32-49.
- Harrison, David K. (2007) *When Languages Die: The Extinction of the World's Languages and the Erosion of Human Knowledge*. Oxford: Oxford University Press.
- Held, David; and Anthony McGrew. (2007) *Globalization/ Anti-Globalization, Beyond the Great Divide*. Cambridge: Polity Press, 2nd ed.
- Holmes, Janet. (2013) *An Introduction to Sociolinguistics*. London & New York: Routledge, 4th ed.
- International Organization for Migration (IOM). (2015) *World Migration Report 2015; Migrants and Cities: New Partnerships to Manage Mobility*. Geneva: IOM.
- Knauder, Stefanie. (2000) *Globalization, Urban Progress, Urban Problem, Rural Disadvantages: Evidence from Mozambique*. Aldershot and Burlington: Ashgate.
- Krauss, Michael. (1992) "The World's Languages in Crisis," *Language* 68, 4. 4-10, <DOI: 10.1353/lan.1992.0075>.

- Lewis, Paul M.; and Gary F. Simons. (2013, August) "The World's Languages in Crisis: A 20-year Update," A Paper Presented at the 26th Linguistics Symposium: *Language Death, Endangerment, Documentation and Revitalization*. University of Wisconsin, Milwaukee, 20-22 October 2011. Available at: https://scholars.sil.org/sites/scholars/files/gary_f_simons/preprint/wisconsin_symposium.pdf (Accessed 31 August 2019).
- Maaref-vand, Fahimeh; and Ebrahim Tofigh. (2014) "Hoviāt-e ghomi-e mohājerān va ravand-e edghām-e ānān dar sākhātār va monāsebāt-e shahri, motālēh-ye mohājerān-e kurd'māhāleh-e eslām'ābād-e shahr-e karāj b'ravesh-e nazarieh-ye mabnāie (Ethnic Identity of Migrants and the Process of their Integration in Urban Structure and Relations, A Study of the Migrants of Kurd'mahale in Karaj's Islamabad on the Basis of the Theory of the Source)," *Dofasnāme-ye masāel-e ejtemāi-ye Īrān (Biannual Journal of Social Problems of Iran)* 5, 1: 123-144. Available at: <https://jspi.khu.ac.ir/article-1-1935-fa.html> (Accessed 11 November 2020). [in Persian]
- Marpaung, Muhammad Fauzi Romadhon; and Wildany Firdaus. (2017) "Language Shift of Mandailing Language on Mandailingnese Family in Medan." *International Journal of Linguistics* 9, 14: 106-121, <DOI:10.5296/IJL.V9I4.11573>.
- McLaughlin, Fiona. (2009) "Introduction to the Languages of Urban Africa," in Fiona McLaughlin, ed. *The Languages of Urban Africa*. London and New York: Continuum, 1-18.
- Modarresi, Yahya. (1989) *Darāmādi bar Jāmē'shenāsi-ye zabān (An Introduction to Sociolinguistics)*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- Mohammadi, Boyuk. (2001) *Zendegi-ye Īrāniān dar kānādā: pajoheshi dar zendegi-ye vāghēi-ye Īrāniān-ye moghim-e vankover-e kānādā (Iranian Life in Canada: A Study on the Real Life of Iranians in Vancouver, Canada)*. Tehran: Vazheh Arā. [in Persian]
- Mufwene, Salikoko S. (2010) "Globalization, Global English, and World English(es): Myths and Facts," in Nikolas Coupland, ed. *The Handbook of Language and Globalization*. London: Wiley-Blackwell, 31-55.
- Mukherji, Shekar. (2011) *Mohājerat va tabāhi-ye shahri (Migration and Urban Decay: Asian Experiences)*, trans Farhang Ershad and Abdollah Salarvand. Tehran: Jāmē'shenāsān. [in Persian]
- Naghdi, Asadollah. (2003) *Darāmādi bar Jāmē'shenāsi-ye shahri: ensān va shahr (An Introduction to Urban Sociology: Human and City)*. Hamedan: Fanāvaran. [in Persian]
- Nettle, Daniel.; and Suzanne Romaine. (2000) *Vanishing Voices: The Extinction of the World's Languages*. Oxford: Oxford University Press.
- Nordberg, Bengt. (1994) *The Sociolinguistics of Urbanization: The Case of the Nordic Countries*. Berlin: Water De Gruyter.
- Otsuka, Yuko. (2007) "Making a Case for Tongan as an Endangered Language," *The Contemporary Pacific* 19, 2: 446-473, <DOI:10.1353/cp.2007.0064>.

- Pourahmad, Ahmad; Mehdi Gharakhloo, Sirous Mousavi. (2011) "Baresi-ye mafāhim va shākhesh'hā-ye nazarieh-ye shahr-e jahāni (A Study of the Concepts and Indicators of the Global City Theory)," *Bāgh-e Nazar (Garden of Opinion)* 8, 16: 29-42. Available at: http://www.bagh-sj.com/article_3.html?lang=fa (Accessed 16 October 2019). [in Persian]
- Rabani, Rasoul; and Freidouh Vahida. (2002) *Jāmē'shenāsi-ye shahri (Urban Sociology)*. Tehran: SAMT. [in Persian]
- Ramezannia, Mehrdad. (2017) *Pāyān-e fārsi dar shebhe ghāreh-ye hend (The End of Persian in Indian Subcontinent)*. Tehran: Negārestān-e Andisheh. [in Persian]
- Rantanen, Terhi. (2005) *The Media and Globalization*. London: Thousand Oaks.
- Razavian, Mohammad. Taghi. (2002) "Globalization, Civilization and Urbanization," *Pajohesh'nāme-e eghtesādi (Journal of Economic Research Review)* 2, 5: 195-227. Available at: https://joer.atu.ac.ir/article_3182.html (Accessed 31 August 2019).
- Sam, David L. (2006) "Acculturation: Conceptual Background and Core Components," in David L. Sam and John W. Berry, eds., *The Cambridge Handbook of Acculturation Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press, 11-26.
- Scolte, Jan Art. (2004a) "Jahāni'shodan-e siyāsāt (Globalization of Politics)," in John Baylis and Steve Smith, eds. *Jahāni'shodan-e siyāsāt: ravabet-e bein'ul-melal dar asr-e jadid (The Globalization of World Politics, An Introduction to International Relations)*, trans. Abolghasem Rah-chamani, et al. Tehran: Tehran International Studies and Research Institute, Vol. 1: 45-89. [in Persian]
- Scolte, Jan Art. (2004b) "(Tejārat va māliyah jahāni (Global Trade and Finance)," in John Baylis and Steve Smith, eds. *(Jahāni'shodan-e siyāsāt: ravabet-e bein'ul-melal dar asr-e jadid (The Globalization of World Politics, An Introduction to International Relations)*, trans. Abolghasem Rahchamani, et al. Tehran: Tehran International Studies and Research Institute Vol 2: 1161-1207. [in Persian]
- Short, John Rennie; and Yeong-Hyun Kim. (2005) *Jahāni'shodan va shahr (Globalization and the City)*, trans. Ahmad Pourahmad and Shayan Rostami. Tehran: Jahād-e dānshgāhi. [in Persian]
- St-Hilaire, Aonghas. (2003) "Globalization, Urbanization and Language in Caribbean Development: The Assimilation of St. Lucia," *New West Indian Guide* 77, 1-2: 65-84. Available at: https://www.jstor.org/stable/41850228?seq=1#metadata_info_tab_contents (Accessed 31 August 2019).
- Tamandehrou, Amanollah. and Saad Ullah Khan. (2015) "Assessing the Importance of Globalization and New Media Technology in 21st Century: An Analytical Overview," *International Journal of Multifaceted and Multilingual Studies* 1, 1: 1-19, <DOI:10.6084/m9.figshare.12152346>.
- Tandefelt, Marika. (1994) "Urbanization and Language Shift," in Bengt Nordberg, ed. *The Sociolinguistics of Urbanization: The Case of the Nordic Countries*. Berlin: Water De Gruyter, 246-273.

- Thompson, Grahame. (2000) "Economic Globalization?" in David Held, ed. *A Globalizing World? Culture, Economics, Politics*. London: Routledge, 85-126.
- UNESCO. (2003). *Language Vitality and Endangerment*. Presented at the International Expert Meeting on UNESCO Programme Safeguarding of Endangered Languages, Paris: UNESCO Ad Hoc Expert Group on Endangered Languages. Available at: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000183699> (Accessed 31 August 2019).
- UNESCO. (2009) *UNESCO World Report: Investing in Cultural Diversity and Intercultural Dialogue*. Paris: UNESCO.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.